



The Role of Women Police in Preventing Violence Against Women

Abdoalvahid Zahedi

*Assistant Professor of Law,
Law Department, Islamic
Azad University, South
Tehran Branch, Tehran, Iran.
Email:
zemes2un@yahoo.com
(Corresponding author)

Mahsa Raeispour Shirazi

MSc Student in Law, Islamic
Azad University, South
Tehran Branch, Tehran, Iran.
m.raeis2018@yahoo.com

Mohammad Faraji

Phd Student in Law, Allame
Tabatabai University,
Tehran, Iran.
mohammadfaraji0244@gmail.com

Received: 2021/06/28

Accepted: 2021/11/15

DOI:

10.22034/JPCS.2021.210481.1059



ABSTRACT

This study aims to investigate the role of women police in preventing violence against women since they constitute a vast majority of our society. Due to psychological and biological characteristics, they are good targets for victimization. A great amount of the victimization is related to violence and different strategies could be applied to prevent it, including the adoption of preventive strategies in the context of situational prevention. The method of this research is descriptive-analytical. Using this method, we have investigated law books and dissertations, non-Persian sources, special police bill, and women's security bill against violence by taking notes. The results illustrated that women police providing some services can have a positive effect on preventing domestic violence. Therefore, Iran's police, like other countries', should use trained forces and special police for women, as well as the use of coercive and non-coercive tools in order to detect violence and prevent such violence.

Keywords: Situation Prevention, Women, Domestic Violence, Women Special Police.

► **Citation (Vancouver):** Zahedi A, Raeispour Shirazi M, Faraji M. The Role of Women Police in Preventing Violence Against Women. *Quarterly J Police Cultural Studies*. Winter 2022; 8(4):31-40.

► **Citation (APA):** Zahedi, A., Raeispour Shirazi, M., Faraji, M. (Winter 2022). The Role of Women Police in Preventing Violence Against Women. *Quarterly Journal of Police Cultural Studies*, 8(4), 31-40.

نقش پلیس زن در پیشگیری از خشونت علیه زنان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش پلیس زن در پیشگیری وضعی از خشونت علیه زنان انجام شد. از آنجا که زنان میزان قابل توجهی از جامعه ما را تشکیل می‌دهند، به دلیل ویژگی‌های روانی و زیستی، هدف مناسبی برای بزه‌دیدگی به حساب می‌آیند. مقادیر بالایی از بزه‌دیدگی آن‌ها مربوط به خشونت می‌شود و برای پیشگیری از این خشونت از راه‌کارهای متفاوتی می‌توان بهره برد؛ از جمله اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در چارچوب پیشگیری وضعی. یکی از مؤلفه‌های پیشگیری وضعی مؤثر، پلیس ویژه زنان است. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و در این روش از طریق فیش-برداری به بررسی کتاب‌های و پایان‌نامه‌های حقوقی، منابع غیر فارسی، لایحه پلیس ویژه و لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت پرداخته شد. نتایج نشان داد، پلیس زن می‌تواند با ارائه خدماتی، تأثیر مطلوبی در مقابله با خشونت‌های خانگی داشته باشد. بنابراین، پلیس ایران نیز مانند سایر کشورها باید با به‌کارگیری نیروهای آموزش-دیده و پلیس ویژه زنان و همچنین به‌کارگیری ابزارهای قهری و غیر قهری در جهت کشف خشونت‌ها و پیشگیری از این آن‌ها مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری وضعی، زنان، خشونت علیه زنان، پلیس ویژه زنان.

عبدالوحید زاهدی

*استادیار حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

zemes2un@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

مهسا رئیس پورشیرازی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران-جنوب، تهران، ایران.

m.raeis2018@yahoo.com

محمد فرجی

دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

mohammadfaraji0244@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۳۱-۴۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/JPCS.2021.210481.1059

◀ **استناد (ونکوور):** زاهدی، ع، رئیس پورشیرازی، م، فرجی، م. نقش پلیس زن در پیشگیری از خشونت علیه زنان. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس. زمستان ۱۴۰۰؛ ۸(۴): ۳۱-۴۰.

◀ **استناد (APA):** زاهدی، ع، رئیس پورشیرازی، م، فرجی، م. (زمستان ۱۴۰۰). نقش پلیس زن در پیشگیری از خشونت علیه زنان. فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۸(۴)، ۳۱-۴۰.

خشونت^۱ طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت عبارت است از: تهدید یا تمایل یا اقدام به استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه که موجب بروز آسیب جسمانی، مرگ، آسیب روانی، ضعف رشد و یا انواع محرومیت‌ها شود و خشونت خانگی^۲ عبارت است از: خشونتی که بین افراد خانواده و شرکای زندگی رخ می‌دهد که اغلب و نه همواره در درون منازل اتفاق می‌افتد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۶: ۱۲).

خشونت، امنیت و سلامتی اعضای خانواده را به خطر می‌اندازد. خشونت علیه زنان، به‌عنوان یک نوع خشونت خانگی^۳، یکی از شایع‌ترین انواع خشونت به حساب می‌آید که همراه با سلطه‌گری مرد است. خشونت پدیده هولناکی است که امنیت و آرامش بشر را سلب می‌کند. خشونت خانگی علاوه بر مشکلات جسمانی می‌تواند منجر به مشکلات متعددی در سلامت فرد، همچون سندروم درد مزمن، افسردگی و ازسوی دیگر موجب سوء مصرف مواد مخدر و بیماری‌های مقاربتی و انواع مشکلات خانوادگی و اجتماعی شود (هوگل و همکاران^۴، ۲۰۱۲: ۸۶۰).

خشونت خانگی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب حدود ۵ و ۱۹ درصد از کل بیماری‌ها را در زنان ۱۵ تا ۴۴ سال به خود اختصاص می‌دهد (والاک و سلا^۵، ۲۰۰۸: ۶۵۵). اگر چه این پدیده (خشونت خانگی) موضوع جدیدی نیست، اما از نظر گستردگی به پدیده‌ای جهانی مبدل شده است.

به‌منظور پیشگیری از خشونت، از راه‌کارهای متفاوتی می‌توان استفاده کرد؛ از جمله اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در چارچوب پیشگیری وضعی. پیشگیری وضعی با تغییر وضعیت‌های حاکم بر مکان، زمان و شرایط محیطی وقوع جرم و با مشکل‌ترکردن تحقق فرصت‌های مجرمانه، تلاش می‌کند تا پاسخ مجرمین بالقوه به موقعیت‌های جرم منفی

باشد یا دست‌کم تقلیل یابد (صالحی، ۱۳۹۴: ۲۱). پلیس زن می‌تواند با ارائه خدماتی از قبیل مشاوره و اطلاع‌رسانی به زنان قربانی خشونت، روان‌شناسی و آگاه‌سازی، اطمینان‌دادن به کودکان در معرض خطر، ارائه کمک، ارتقای امنیت زنان، ایجاد علاقه صمیمانه، ارائه خدمات مشاوره‌ای، پلیسی و ایجاد زمینه فرهنگ‌پذیری و رعایت موازین اخلاقی و نیز ارتقای فرهنگ اخلاقی و انسانی در پیشگیری از جرم مؤثر باشد (رائجی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰). در واقع، می‌توان اظهار داشت، در مورد جرایم داخل خانواده، چنانچه افراد جامعه نظارت و کنترل دائمی و رسمی نیروی انتظامی و نظم و سرعت عمل این نهاد را در سطح اجتماع مشاهده نمایند و همچنین اشخاصی که می‌خواهند مرتکب خشونت خانگی شوند احتمال دستگیری و بازداشت شدن خود را بدهند، هزینه ارتکاب جرم را تحمل نمی‌کنند و از آن پرهیز می‌نمایند. به این ترتیب، پلیس ویژه زن با حضور پررنگ‌تر خود در جامعه می‌تواند نرخ جرایم و خشونت - های ارتكابی داخل خانواده را کاهش دهد (عابدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳-۲).

پلیس زن به علت هم‌جنس‌بودن، آشنایی با عواطف و احساسات زنانه، مهارت در برقراری ارتباط، به‌ویژه ارتباط کلامی، در پیشگیری وضعی موفق خواهد بود. در این راستا، پلیس زن برای پیشگیری وضعی از خشونت‌های خانگی، باید موقعیت‌های ایجاد خشونت را به کم‌ترین حد ممکن برساند، یعنی باید به‌گونه‌ای عمل کند که بدون شناخت مجرمان بالقوه و اثرگذاری مستقیم بر روی انگیزه آن‌ها، موقعیت‌های ارتکاب به خشونت را به حداقل برساند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۴).

با مطالعه پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، می‌توان مسیر اصلی فعالیت‌های تحقیقاتی را مشخص کرده

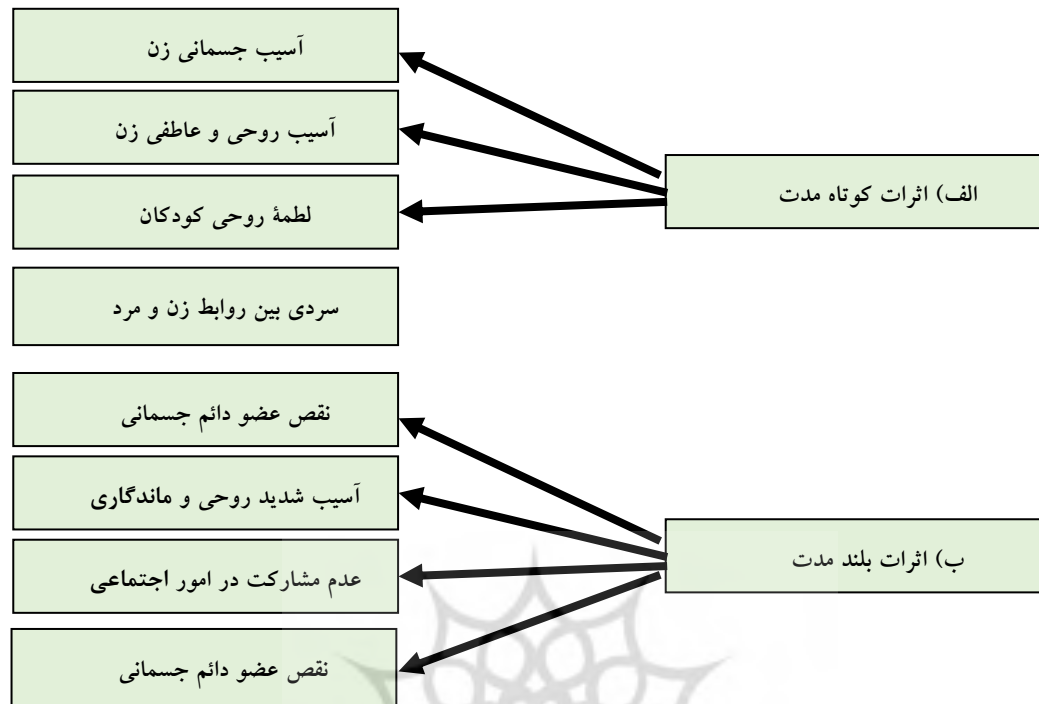
4- Hugel and et al.
5- Wallach and Sela

1- Violence
2- domestic violence

۳- در این مقاله، مراد از خشونت خانگی، نوع شایع آن، یعنی خشونت علیه زنان است.

و الگوی نظری مناسبی را استخراج نمود. خشونت علیه زنان در خانواده عواقب و نتایج متفاوتی دارد که می توان

آن‌ها را در قالب شکل زیر به دو دسته تقسیم کرد:



شکل ۱- انواع خشونت علیه زنان

وانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۱) بر این باورند که افسران زن برای کار با زنان کتک‌خورده مناسب‌ترند. افسر مرد برای رسیدگی به مجرمان مستعدتر است و ترکیبی از افسران مرد و زن برای مقابله با آن‌ها سازگارتر است. در همین راستا، فاگرلوند^۲ (۲۰۲۰) اظهار می‌دارند، ترکیب یک قربانی مرد و دو افسر پلیس مرد، کم‌ترین احتمال را در ثبت یک جرم، دستگیری یا ارجاع به خدمات پشتیبانی دارد.

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های «جایگاه پلیس ویژه زنان در مقابله با خشونت خانگی چیست؟»، «اثر عملکرد ضابطین ویژه بر پیشگیری از وقوع خشونت‌های خانگی چیست؟»، «نقش پلیس زن در کنترل ابزارها و هدف‌های جرم خشونت خانگی چیست؟» و «اختیارات بازداشت کردن متخلف توسط پلیس در موارد پیشگیری از خشونت خانگی چگونه است؟» هستیم.

در همین راستا، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها به علت کمبود فضا در این‌جا اشاره می‌شود. مهدی زاده و همکاران (۱۳۹۷) درمورد خشونت خانگی معتقدند، اقدامات پیشگیرانه پلیس در راستای مددکاری اجتماعی، شامل مداخلت بازدارنده، مداخلات سازشی-حمایتی، تأمین امنیت افراد بزه‌دیده، به ترتیب با ضریب همبستگی در پیشگیری از وقوع جرم خشونت خانگی تأثیرگذارند. همچنین آن‌ها نشان دادند، احترام به زنان بزه‌دیده و حمایت عاطفی از آنان، معرفی قربانیان خشونت خانگی به مراکز حمایتی، نظیر بهزیستی و برگزاری جلسات مشاوره با حضور طرفین در پیشگیری از وقوع جرم خشونت خانگی می‌تواند تأثیرگذاری مثبتی داشته باشد.

1- Wang et al.
2- Fagerlund

فرضیه پژوهش

پلیس ویژه زن بر کاهش خشونت خانگی نقش به‌سزایی دارد.

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری به بررسی کتاب‌های حقوقی، پایان‌نامه‌های حقوقی، منابع غیر فارسی، لایحه پلیس ویژه و لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و همچنین بررسی نقش و وظایف پلیس زن در پیشگیری از خشونت خانگی پرداخته شده است.

یافته‌ها

۱- نقش پلیس ویژه زن در پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان:

از آن‌جایی که عده‌ای معتقدند در جوامع امروزی، پلیس به یکی از ارکان کاهش خطر در جامعه تبدیل شده است، به این ترتیب می‌توان از پلیس انتظار داشت که با عملکرد صحیح خود، خطر وقوع خشونت خانگی نسبت به زنان را نیز تا حدودی کاهش دهد. اقدامات پیشگیرانه نیروهای انتظامی صرفاً مبتنی بر برخورد با افراد همسرآزار و دور کردن موارد آزاردیده از خانواده نیست، بلکه بخشی از پیشگیری، تأثیرگذاری بر افراد آزاردهنده و ممانعت از بروز چنین رفتارهایی از سوی آنهاست.

زنان مورد خشونت معمولاً به دلیل حیا و ترس از سرزنش شدن و سایر هزینه‌های احتمالی و فرهنگ و آداب و رسوم محلی و مردانه بودن کلاتری‌ها، تمایلی به ابراز مشکلات و خشونت‌هایی که علیه آنها صورت می‌گیرد، ندارند؛ بنابراین حضور پلیس زن در کلاتری‌ها جهت ابراز مشکلات زنان ضروریست.

در بسیاری از موارد، کمک‌رسانی یا کنترل بحران‌های اجتماعی صرفاً در توان پلیس‌های مرد نیست و چه‌بسا در مواردی اصول اخلاق انسانی و اسلامی اجازه دخالت مردان را در اموری که خاص زنان هستند، نمی‌دهد. از این رو، متولیان سیاست جنایی در منطقه مورد مطالعه نیز باید در پی

استفاده از توان زنان در امور امنیتی و پلیسی باشند و به این علت، نقش پلیس زنان در خشونت خانگی به‌طور کامل قابل درک است. زنان نیز به‌عنوان منابع انسانی واجد سرمایه‌های چهارگانه فیزیکی، فکری، اجتماعی و عاطفی در راستای پیشگیری از رخداد جرایم، می‌توانند نقش ایفا کنند؛ بنابراین، پلیس می‌تواند در انجام مأموریت‌هایی مانند پیشگیری از خشونت‌های خانگی از نیروهای پلیس زن استفاده نماید و از آن‌جا که پلیس در خط مقدم نظام دادرسی کیفری قرار دارد و اغلب در زمان رخداد یک عمل خشونت‌آمیز با فاصله کوتاهی بعد از آن فراخوانده می‌شود و با قربانی، متخلف، شاهدان و انواع مختلفی از شواهد روبه‌رو می‌شود، واکنش و پاسخ آن‌ها به همه طرف‌های درگیر می‌تواند تأثیر به‌سزایی در مسیر اتفاقات آینده، مانند پیشگیری از اعمال خشونت بعدی و حفاظت از قربانی داشته باشد. برای مثال، هنگام تکرار یک خشونت خانگی، پاسخ پلیس می‌تواند به قربانیان کمک کند تا یک رابطه خشونت‌آمیز را ترک کنند. آن‌ها اظهار می‌داشتند که پلیس می‌تواند از طریق بهبود عملکرد خود و تضمین دسترسی بیشتر زنان به خدماتی مانند سرپناه، مشاوره و مساعدت حقوقی، ارتقای وضعیت ارائه شواهد در جریان دادگاه و به‌کارگیری اقداماتی در حفاظت از قربانی و شاهد، هر دو، نقش بارزی در بهبود وضعیت زندگی همه زنان مورد خشونت واقع شده، داشته باشد.

۲- عملکرد پلیس ویژه زن در پیشگیری از خشونت‌های خانگی علیه زنان

استفاده از زنان در نیروی انتظامی برای تقویت همدلی با قربانیان همجنس و آشنایی آن‌ها با مشکلات خاص زنان بدون شک اعتماد لازم را بین قربانیان خشونت علیه زنان و پلیس ایجاد خواهد کرد. از آن‌جا که از نظر زنی که در معرض خشونت قرار گرفته یا مورد آزار قرار گرفته است، یک نهاد پلیس پوپولیستی یک مجموعه مردسالارانه را برای او تداعی می‌کند، گویی زنان و حمایت آن‌ها در آن جایی ندارند.

در این مورد، ایجاد رابطه صمیمانه در حمایت از زن مظلوم و جلب اعتماد او دشوارتر خواهد بود و این دلیل اصلی عدم تمایل زنان به درخواست کمک از پلیس به محض وقوع خشونت یا تهدید به خشونت است. داشتن نیروی انتظامی آموزش دیده از ضروریات ساختار پلیس جامعه‌ای است که به حفاظت از زنان ارزش می‌دهد. بدون تردید، اندیشه مردسالارانه که امروز در اکثر جوامع قابل مشاهده است، می‌تواند موانعی را بر سر حمایت‌های پیش‌گیرانه از زنان فراهم سازد. در این فضای مردسالارانه، کمبود نیروهای آموزش دیده زن نسبت به مردان، مزید بر علت شده و این موانع را بیشتر می‌کند، هرچند امکان حضور زنان به‌عنوان نیروی پلیس در جامعه ایران وجود دارد و طرح استخدام زنان در نیروی انتظامی مطابق ماده ۲۰ آیین‌نامه استخدامی پلیس رسمی و قانونی شده است، اما هنوز جایگزین شاخه‌های آموزش دیده پلیس زن مستقل برای مبارزه با خشونت جنسیتی و حمایت از زنان قربانی خشونت خالی است. این چنین نیروهای زن در ساختار پلیس و نیروی انتظامی قادر خواهد بود فضای اعتماد ایجاد کرده و آرامش و امنیت را برای قربانیان به‌ارمغان آورد و به‌صورت حرفه‌ای و با آمادگی‌های لازم به این موضوع بپردازند (مهرپور، ۱۳۹۵: ۶۵). به‌منظور مشارکت زنان در زمینه پلیس به‌عنوان یک جنبش حمایتی و در پاسخ به پرسش دوم، موارد زیر قابل ذکر است:

-توسعه مشارکت افسران پلیس زن در کلاتری‌ها
درسایه تحولات جدید عدالت کیفری به‌منظور گسترش اقدامات پیشگیرانه، اصلاحی و آموزشی.

-الزام حضور افسران زن در تحقیقات پلیس از زنان و دختران و در روند میانجیگری جنایی، به‌ویژه در مورد خشونت خانگی.

-ایجاد یک اقدام منطقی بین کارکنان زن و مرد در سازمان پلیس با هدف ارتقاء موقعیت مأموران پلیس زن (عظیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۹).

۳- نقش پلیس زن در کنترل ابزارها و هدف‌های جرم خشونت خانگی

خشونت علیه زنان در جوامع مختلف نادیده گرفته می‌شود و موانع زیادی برای دستیابی به آمار مربوط وجود دارد. به‌عنوان مثال، آمارهای منظم در این زمینه به‌وسیله سازمان‌های مربوط منتشر نمی‌شود که برخی از آن‌ها را می‌توان ناشی از سهل‌انگاری آن دسته از سازمان‌هایی دانست که خشونت خانگی را امری خصوصی تلقی می‌کنند و آن را به‌طور جدی تحت تعقیب قرار نمی‌دهند. آن‌ها قانون وضع نمی‌کنند و بخشی از آن را به نگرش خود قربانیان نسبت می‌دهند که علاقه‌ای به گزارش خشونت خانگی ندارند و بخشی از آن به دلیل نبود قانون ویژه‌ای برای خشونت علیه زنان است. طبق آماری که جمعی از استاتید دانشگاه و متخصصان به بررسی خشونت خانگی در دو پژوهش ملی پرداختند، کمتر از ۳۵ درصد از خشونت‌های خانگی در ایران به پلیس گزارش داده می‌شود و در یک پژوهش سه ماهه از ۱۸۰ مورد شکایت خشونت خانگی، ۱۲۸ مورد حاضر به پیگرد قانونی مجرم نشده‌اند. اقدامات پلیس درک قربانیان را از تأثیرگذاری این نهاد اجتماعی در جلوگیری از خشونت خانگی شکل می‌دهد و نقش مهمی در تغییر افکار عمومی دارد. بنابراین، بر تعداد گزارشات دریافت شده به‌واسطه پلیس نیز تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، هرچه زنان نسبت به کمک پلیس در خشونت خانگی خوشبین‌تر باشند، در صورت بروز خشونت، بیشتر از آن‌ها درخواست کمک می‌کنند. با این حال، بدیهی است که اگر زنان تصور می‌کنند، پلیس به حل مشکل آن‌ها کمک نمی‌کند، از گزارش خودداری کرده و تصمیم می‌گیرند که مشکل را به‌صورت جداگانه حل کنند (آپسلر و همکاران، ۲۰۰۳، ۱۳۲۱؛ فلسون و همکاران، ۲۰۰۲، ۶۲۵).

نحوه برخورد پلیس با خشونت خانگی، نحوه برخورد آن‌ها با این موضوع اجتماعی را تعیین می‌کند. همچنین، نگرش‌های متمایز پلیس نسبت به خشونت خانگی، بر سایر

بالا است، صرف حضور افسران پلیس زن در پیشگیری از جرم مؤثر است. زیرا، حضور افسران پلیس زن در زنان متخلف و بدسرپرست این احساس را ایجاد می‌کند که با سوء استفاده از جنسیت، حجاب و مسائل مذهبی، نمی‌توانند از پیامدهای جنایت، یا احتمالاً از آثار و شواهد جنایت به‌شیوه‌ای فرار کنند. همچنین، نگرش زنان پلیس آموزش‌دیده نسبت به زنان بدسرپرست و بزه‌کار می‌تواند بسیار سازنده باشد.

ج) مراقبت از هدف‌های خشونت و جرم: گشت‌زنی و کنترل شدید از جمله وظایف پلیس زن جهت جلوگیری از وضعیت خشونت و جنایت در خیابان‌ها و مناطق آسیب‌پذیر برای محافظت از زنان و کودکان است، به‌ویژه زنان که ممکن است در محله‌های جنایتکار مورد حمله و آزار قرار گیرند. یکی از وظایفی که یک زن پلیس هنگام جلوگیری از وقوع جرم باید به آن توجه کند، محافظت از زنان مجروح پس از وقوع جنایت و ایجاد ارتباط عاطفی با آن‌هاست. زیرا، زنان معمولاً جنایات زیادی را برای حفظ شرافت و عزت، گزارش نمی‌دهند. آسیب‌پذیری زنان براساس معیار ضعف جسمانی نیز باید پراهمیت تلقی شوند. در این جنایات، زنان معمولاً اهداف مناسبی برای مجرمان در نظر گرفته می‌شوند و اگر فرد نیز در تأمین موقعیت جرم نقش داشته باشد، به‌راحتی قربانی می‌شود.

حمایت از زنان آسیب‌پذیر به‌تدریج با حمایت از قربانیان غیر مستقیم همراه می‌گردد، یعنی کسانی که به‌نحوی مستقیماً با قربانی در ارتباط هستند یا به آن وابسته هستند. قربانی در صورت داشتن امنیت، جرأت طرح شکایت و احقاق حقوق خود و شناسایی مجرم یا مجرمان را دارد. تأمین امنیت قربانیان و شهود آن‌ها نه تنها مستلزم اقداماتی برای جلوگیری از آسیب احتمالی هنگام مواجهه با متهم است، بلکه شامل اقدامات لازم برای جلوگیری از

جنایات تأثیر می‌گذارد. در واقع، اگر به خشونت خانگی به‌عنوان یک مسئله شخصی، خانوادگی و حریم خصوصی نگاه شود، طبیعی است که نسبت به سایر جنایات به مداخله کم‌تری نیاز داشته باشد (چردن^۱، ۲۰۰۴: ۱۴۱۷؛ اسمینک و مالش^۲، ۲۰۰۵: ۱۴). در جوامع امروز بشری و در دامنه مفهوم دولت نوین که مبتنی بر نظام تفکیک مسئولیت‌های میان قوا اداره می‌گردد، پیش از وقوع جرم، لازم است که سازوکارهای اقتصادی، حمایتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که معطوف به پیشگیری از وقوع بزه است، اجرایی شود. مقصود از ابزار پیشگیرانه، بازدارندگی از بزه و کاهش هدف‌های بزه‌کارانه از شهروندان (از جمله زنان بزه‌دیده) است. پلیس زن می‌تواند با استفاده از راهبردهای پیشگیرانه در این زمینه، نقش به‌سزایی داشته باشد که سه مورد اصلی آن را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

الف) افزایش خطر شناسایی و دستگیری مجرمان: یکی از باورهای قوی در مورد کنترل جنایت و خشونت به‌وسیله پلیس زن، خشونت علیه زنان است. بهینه‌سازی استفاده و سازماندهی این نیرو می‌تواند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در کاهش نرخ جنایت علیه زنان داشته باشد. اعزام پلیس زن در نقاط آسیب‌پذیر و ویژه، اقدامی در چارچوب پیشگیری موقعیتی است و می‌تواند زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده را شناسایی و حمایت کند و در جهت بهبود و بازتوانی آن‌ها از نظر جسمی و روحی گام بردارد. البته، با چنین اقداماتی، وضعیت قبل و بعد از جنایت به ضرر مجرم تغییر می‌کند و از ارتکاب جنایت در آن زمان و مکان یا در ارتباط با یک هدف خاص جلوگیری می‌شود.

ب) پیشگیری از جنایت جنسیتی و خشونت در مکان‌های جرم‌خیز: یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از وقوع جرم، قرارداد افسر در موقعیت‌هایی است که احتمال می‌رود، جنایت علیه زنان و کودکان به‌وسیله زنان متخلف مرتکب شود. در بسیاری از موقعیت‌هایی که خطر جنایت

تهدید یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا خانواده‌اش و دوستانش است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۵۴)

۴- اختیارات بازداشت‌کردن متخلف به‌وسیله پلیس در موارد پیشگیری از خشونت خانگی

بازداشت مجرمان، مانند حق ورود پلیس برای حفاظت از آزادی‌های مدنی به‌خانۀ مردم، در بسیاری از نقاط جهان به‌شدت به‌وسیله پلیس کنترل و معمولاً به‌موارد اضطراری محدود می‌شود. دستگیری یک فرد نشان می‌دهد که او متهم به ارتکاب جرم است و به‌طور خودکار وارد سیستم عدالت کیفری می‌شود. در شرایط عادی، مأموران پلیس باید حکم بازداشت را برای بازداشت یک فرد داشته باشند، مگر این‌که مرتکب جنایت شده باشد. بازداشت سلب آزادی است و اهرم نهایی اجبار و معمولاً با ترس و شرم همراه است. در برخورد با وقایع خشونت خانگی، افسران پلیس درمورد این‌که آیا آن‌ها حق بازداشت یک فرد را دارند، مردد هستند. این‌ها حتی در موارد خشونت بسیار شدید و حتی در مواردی که قربانی به‌شدت مجروح شده، صادق است. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که «آیا پلیس باید اختیارات ویژه‌ای برای بازداشت افراد در این زمینه داشته باشد؟»

بسیاری از پژوهشگران معتقدند، در صورت بروز اختلافات داخلی، لازم است اختیارات وسیع‌تری به پلیس داده شود و آن‌ها باید پاسخگو باشند. دستگیری عامل جنایتکار بهترین راه برای مبارزه با خشونت علیه زنان در خانه است، زیرا دستگیری مجرم سلامتی و ایمنی فوری قربانی را فراهم می‌کند و باعث می‌شود احساس قدرت کند. در این راستا، موضوع اصلی مناظره، هدف پلیس و توجیه آن است. افراطی‌ترین حمایت از بازداشت داوطلبانه در زمینه خشونت خانگی، آن را به‌عنوان بازدارنده‌ای برای توقف رفتارهای آزاردهنده مردان معرفی می‌کند (معمدی-مهر، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

اما، مخالفان این عقیده معتقدند، استفاده از اهرم پلیس در این راه نه‌تنها حقوق بشر را نقض می‌کند، بلکه قبل از این‌که مجرم شناخته شود، مجازات می‌شود. در برخی از کشورها، اختیار پلیس برای بازداشت افراد در خشونت

خانگی به‌طور دقیق مشخص شده است، اما حتی در این کشورها، این امر غیر عادی نیست که نیروهای پلیس میانجیگری را به بازداشت ترجیح دهند. الگوهای بازداشت پلیس در موارد خشونت خانگی، در درجه اول منعکس‌کننده سیاست اجبار است که به‌نوبه خود منعکس‌کننده نگرش‌های گسترده اجتماعی است.

درمورد جنایات خشونت‌آمیز و جنسی، یکی از مشکلات پلیس مربوط به جنسیت افسران است. زیرا، بیشتر این افراد مرد هستند. در این رابطه، برخی از دستیاران آژانس رفاهی اظهار می‌کنند، مردان و افسران پلیس از نیازهای شخصی قربانیان زن و آنچه که کمک مؤثری را تشکیل می‌دهد، بی‌اطلاع هستند. زیرا، مردان هرگز چنین وحشتی را تجربه نمی‌کنند. بنابراین، نمی‌توانند درک کنند که زن در چه وضعیتی قرار دارد (معمدی مهر، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل و معضلاتی که زندگی اغلب زنان را در طبقات و اقشار مختلف اجتماعی متأثر ساخته، خشونت خانگی علیه زنان است. اگرچه خشونت خانگی معمولاً در خانواده رخ می‌دهد، اما زندگی زنان را در همه زمینه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشونت علیه زنان، توانایی آن‌ها، استقلال آن‌ها و کیفیت زندگی زنان و فرزندان را به‌شدت تهدید و مختل می‌کند. زنان آسیب‌دیده از جرائم خشونت، به‌علت ویژگی‌های خاص جسمی و روانی، نسبت به مردان نیازمند توجه ویژه قانون‌گذار و حمایت بیشتری هستند. اغلب، نخستین مرجعی که زنان بزه‌دیده خشونت جسمانی یا جنسی پس از این‌که به این مرحله نائل می‌شوند که بزه‌دیدگی‌شان را به‌صورت رسمی اعلام نمایند، سازمان پلیس است.

یکی از ابعاد اصلی مأموریت نیروی انتظامی، تأمین امنیت فردی و عمومی و پیشگیری از جرائم است. در بین افراد تشکیل‌دهنده یک اجتماع، زنان در معرض آسیب‌پذیری بیشتر هستند.

از این رو، نیروی انتظامی به منظور پاسخ‌دهی به نیازها و جلوگیری از آسیب‌پذیری این قشر جامعه، اقدام به جذب و به‌کارگیری پلیس زن کرده است. به نظر می‌رسد، پلیس زن به‌علت هم‌جنس‌بودن، آشنایی با عواطف و احساسات زنانه، مهارت در برقراری ارتباط به‌ویژه ارتباط کلامی، در پیشگیری اجتماعی موفق خواهد بود. پلیس زن باید بتواند با استفاده از روش‌هایی چون مشاوره فعال در پیشگیری اجتماعی از جرائم به‌ویژه نهادهای آموزش و تربیت، ارتباط درستی برقرار کند و به این صورت، مأمورت و وظیفه خود را تا حدی نسبت به زنان جامعه محقق کند.

زنان پلیس، برای تعامل با نهادهایی همچون مدرسه، خانواده و رسانه‌های جمعی و ایفای نقش پیشگیری اجتماعی از جرائم، نیازمند پشتیبانی مسئولان نیروی انتظامی هستند. در نهایت می‌توان گفت که پلیس زن از طریق پیشگیری وضعی و کنترل ابزارهای جرم، می‌تواند آرامش و امنیت را برای زنان در معرض خشونت خانگی ایجاد نماید. مسلماً پلیس زن برای پیشگیری وضعی از خشونت-های خانگی باید موقعیت‌هایی ایجاد کند تا خشونت را به کم‌ترین حد ممکن برساند، یعنی باید به‌گونه‌ای عمل کند که بدون شناخت مجرم بالقوه و اثرگذاری مستقیم بر روی انگیزه آن‌ها، موقعیت‌های ارتکاب به خشونت را به حداقل برساند. بنابراین، افزایش امنیت اجتماعی و پیشگیری از افزایش جرائم علیه زنان از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای برای ارتقای سطح فرهنگی خانواده‌ها و اطلاع‌رسانی به قربانیان خشونت‌های خانوادگی، از مهم‌ترین اهداف تشکیل پلیس زن در سازمان نیروی انتظامی است.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود، جلساتی برای جمع‌آوری زنان بزه‌دیده تدارک دیده شود و در مورد مشکلاتشان صحبت کنند تا از این طریق روحیه خود را به‌دست آورند و به زندگی عادی خود برگردند. همچنین، اختصاص مأموران ویژه و دوره‌دیده در روند پیگیری این جرائم و در صورت امکان، استفاده از مأموران کارآزموده و متبحر پلیس زن برای رسیدگی به خشونت علیه زنان، به منظور برقراری ارتباط مستقیم و سازنده با بزه‌دیده خشونت، ضروری است.

منابع

۱. رائیجی پارسایی، نرگس؛ کاظمی، علی‌رضا و حاتمی، اصغر. (۱۳۹۵). مبانی فقهی نقش پلیس زن در یگان‌های ویژه. فصلنامه مطالعات پلیس زن، ۱(۲۴)، ۴۹-۷۴.
http://journals.police.ir/article_11196.html
۲. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزه دیده شناسی حمایتی. مجله پژوهش‌های حقوقی. مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۴(۷)، ۲۹-۵۳.
https://jlr.sdil.ac.ir/article_44547.html
۳. افتخاری، مامک؛ رفیعی‌فر، شهرام؛ کرمانچی، جمشید. (۱۳۸۶). گزارش جهانی خشونت و سلامت. مرکز تحقیقات سلامت زنان فردا و مؤسسه تحقیقات بهبود زندگی زنان.
۴. صالحی، فرشته. (۱۳۹۴). پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علوم علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. عابدی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های انتظامی کنترل جرم در ایران از منظر شاخص‌های پلیس اجتماع محور. رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
۶. عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۸۳). حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت در حقوق ایران و آمریکا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

<https://elmnet.ir/Article/10830865-83486/>

- violence. *Journal of family violence*, 23(7), 655-660.
<https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/importance-male-batters-attributions-understanding-and-preventing>
17. Wang, X., Wu, Y., Li, L., & Xue, J. (2021). Police officers' preferences for gender-based responding to domestic violence in China. *Journal of Family Violence*, 36(6), 695-707.
<https://doi.org/10.1007/s10896-020-00237-2>
۷. معتمدی مهر، مهدی. (۱۳۹۴). حمایت از زنان در برابر جرایم خشونت‌آمیز در سیاست جنایی انگلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
<http://www.lib.ir/book/68307394/>
۸. مهدی‌زاده، حسین؛ رستگار، علی و صداقت خانیکی، حسین. (۱۳۹۷). تاثیر مددکاری کلانتری‌ها در پیشگیری از خشونت خانگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳(۴۹)، ۷۹-۵۵.
http://journals.police.ir/article_91176.html
۹. مهرپور، حسین. (۱۳۹۵). مباحثی از حقوق زن. انتشارات اطلاعات تهران، چاپ پنجم.
<https://www.gisoom.com/book/11208078/>
10. Apsler, R., Cummins, M. R., & Carl, S. (2003). Perceptions of the police by female victims of domestic partner violence. *Violence against women*, 9(11), 1318-1335.
<https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.886.2789&rep=rep1&type=pdf>
11. Fagerlund, M. (2021). Gender and police response to domestic violence. *Police Practice and Research*, 22(1), 90-108.
<https://doi.org/10.1080/15614263.2020.1749622>
12. Felson, R. B., Messner, S. F., Hoskin, A. W., & Deane, G. (2002). Reasons for reporting and not reporting domestic violence to the police. *Criminology*, 40(3), 617-648.
<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.2002.tb00968.x>
13. Hugel-Wajek, J. A., Cairo, D., Shah, S., & McCreary, B. (2012). Detection of domestic violence by a domestic violence advocate in the ED. *The Journal of Emergency Medicine*, 43(5), 860-865.
<https://doi.org/10.1016/j.jemermed.2009.07.031>
14. Jordan, C. E. (2004). Intimate partner violence and the justice system: An examination of the interface. *Journal of interpersonal violence*, 19(12), 1412-1434.
<https://doi.org/10.1177/0886260504269697>
15. Smeenck, W., & Malsch, M. (2017). Family violence and police response: Learning from research, policy and practice. In *Family Violence and Police Response* (pp. 241-256). Routledge.
<https://www.taylorfrancis.com/books/edit/10.4324/9781315255453/family-violence-police-response-wilma-smeenck-marijke-malsch>
16. Wallach, H. S., & Sela, T. (2008). The importance of male batterers' attributions in understanding and preventing domestic